

افشای ارزش منصفانه تسهیلات اعطایی و سپرده‌های بانکها و دیگر داراییها و بدهیهای مالی)

براساس استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی؛ چالشها و راهکارها



شاهین کرزبر

مقدمه

براساس استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی^۱، بخشی از ابزار مالی واحد گزارشگر باید بر مبنای ارزش منصفانه^۲ شناسایی و در صورتهای مالی اساسی گزارش شوند^۳؛ اما برخی دیگر از داراییها و بدهیهای مالی همچون تسهیلات اعطایی، سرمایه‌گذاری در اوراق بدهی (که قصد نگهداری آنها تا سررسید وجود دارد)، سپردههای پرداختنی و اوراق بدهی منتشر شده و... به دیگر روشها همچون بهای تمام‌شده مستهلک‌شده^۴، شناسایی و گزارش می‌شوند. با این حال، براساس بند ۲۵ استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۷ (IFRS 7) و بند ۹۷ استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۳ (IFRS 13)، تمامی واحدهای گزارشگر ملزم به افشای ارزش منصفانه تمام طبقه‌های داراییها و بدهیهای مالی در یادداشتهای توضیحی هستند^۵. این، به آن معنی است که افزون بر دارایی و بدهیهای مالی که به ارزش منصفانه شناسایی و گزارش شده‌اند، آن دسته از داراییها و بدهیهای مالی که به ارزش منصفانه شناسایی نشده‌اند نیز باید به ارزش منصفانه اندازه‌گیری و در یادداشتهای توضیحی افشا شوند. همچنین، واحدهای گزارشگر باید الگوهای مورد استفاده در تعیین ارزشهای منصفانه این داراییها و بدهیهای مالی و داده‌های مورد استفاده در الگوهای یادشده را تشریح و ارزشهای منصفانه حاصل شده را در سطوح اول، دوم و سوم (سلسله‌مراتب ارزشهای منصفانه) منعکس و افشا کنند. در نهایت، شکل و شیوه افشا باید به نحوی باشد تا ارزشهای منصفانه و ارزش دفتری در کنار یکدیگر افشا گردد تا امکان مقایسه این دو ارزش برای استفاده‌کنندگان فراهم شود.

تسهیلات اعطایی

در میان

داراییهای مالی بانکها

بزرگترین رقم

را به خود

اختصاص می دهد و

براساس الزامهای

گزارشگری مالی

این تسهیلات

به بهای تمام شده

مستهلك شده

شناسایی و

در صورتهای مالی اساسی

گزارش خواهند شد

بیان مسئله

استانداردهای بین المللی به این الزامها بسیار کلی اشاره کرده و از آنها رد شده اند؛ در حالی که با توجه به تنوع داراییها و بدهیهای مالی در بانکها، این موضوع در اجرا چندان کار ساده ای نخواهد بود. با توجه به الزامهای اشاره شده، بانکها همانند دیگر واحدهای گزارشگر موظف خواهند بود تمام داراییها و بدهیهای گروه را در یادداشتهای همراه صورتهای مالی تلفیقی^۶ افشا کنند. پیش نیاز این افشا، اندازه گیری داراییها و بدهیهای مالی به ارزشهای منصفانه است که به طور طبیعی کار ساده ای نخواهد بود. لازم به ذکر است براساس الزامهای استاندارد بین المللی گزارشگری مالی شماره ۱۳، سه سطح اول، دوم و سوم وجود دارد. به طور طبیعی، قرار گرفتن داراییها و بدهیهای مالی در سطوحی به غیر از سطح اول، حسابداران و حسابرسان را با مسائل خاصی روبه رو خواهد کرد؛ زیرا بازار فعالی برای تعیین بی دردسر ارزش منصفانه برای داراییها و بدهیهای یاد شده در دسترس نیست. از اینرو، بخش عمده ای که در این مقاله روی آنها بحث و تمرکز خواهد شد، در این حوزه خواهد بود. در عمل، پیاده سازی الزامهای افشای یاد شده برای گروههای بانکی (شامل شرکتهای فرعی) و شرکتهای سرمایه گذاری که دارای داراییها و بدهیهای مالی متنوعی هستند، چالشهای خاص خود را دارد؛ زیرا اندازه گیری ارزش منصفانه اقلام مورد بحث با توجه به ماهیت و داده های در دسترس که در فرایند تعیین ارزش استفاده می شود، یکسان نخواهد بود. هر کدام از داراییها و بدهیهای مالی گروه بانکی باید سرفصل به سرفصل بررسی و با توجه به

ماهیت اقلام یاد شده و داده های موجود و با استفاده از روشهای ارزشگذاری مناسب، ارزش منصفانه هر کدام اندازه گیری و افشا شود. بدین ترتیب، در این مقاله قصد داریم داراییها و بدهیهای مالی گروه بانکی را به تفکیک و از منظر افشای ارزشهای منصفانه تشریح کرده و راهکارهای تعیین ارزش را با در نظر گرفتن قوانین و مقررات داخلی و محتوای این داراییها و بدهیهای مالی، شرح دهیم. هر چند این مقاله با تأکید بر بانکها نوشته شده است، اما شرکتهای حاضر در صنایع مشابه دیگر نیز می توانند از بخشهایی از این مقاله که در مورد آنها هم مصداق دارد، استفاده کنند.

افشای ارزش منصفانه تسهیلات اعطایی

تسهیلات اعطایی در میان داراییهای مالی بانکها، بزرگترین رقم را به خود اختصاص می دهد. براساس الزامهای گزارشگری مالی، این تسهیلات به بهای تمام شده مستهلك شده شناسایی و در صورتهای مالی اساسی گزارش خواهند شد. اما با توجه به الزامهای پیش گفته، نیاز است تا ارزش منصفانه این تسهیلات نیز در یادداشتهای صورتهای مالی افشا شود. از آنجا که به طور عمومی بازار فعالی برای خرید و فروش تسهیلات وجود ندارد، در عموم حالتها این تسهیلات در سطح اول افشا خواهند شد. با توجه به نبود قیمتهای تابلو، تعیین ارزش منصفانه مستلزم الگوهای ارزش گذاری همچون تنزیل جریانهای نقدی آینده است. داده های اصلی مورد استفاده در این الگو، جریانهای نقدی آینده پیش بینی شده، زیانهای اعتباری و نرخهای تنزیل است. با

توجه به این داده‌ها، قرار گرفتن وام‌ها در سطح دوم و سوم مستلزم قضاوت است.

به‌طور معمول در صورتهای مالی بانکهای بزرگ جهان، داده‌های مرتبط با تسهیلات اعطایی به بانکها در سطح دوم ارزش منصفانه^۷ (بخشی هم در سطح سوم و تسهیلات اعطایی به دیگر مشتریان در سطح سوم (بخش کوچکی هم سطح دوم) منعکس می‌شوند؛ اما در نمونه‌های بررسی شده می‌توان گفت که به‌طور کل، کفه ترازو به طرف سطح سوم سنگینی می‌کند. با در نظر گرفتن همه جنبه‌ها و در نظر گرفتن شرایط کشور و اتکاپذیری ورودیهای الگوهای ارزشگذاری، چنین به نظر می‌رسد که افشای ارزش منصفانه تسهیلات اعطایی در سطح سوم، در شرایط فعلی معقول‌تر باشد^۸.

افشای ارزش منصفانه در سطوح مختلف مرتبط با سلسله مراتب ارزش منصفانه، از این جهت دارای اهمیت است که درجه اتکاپذیری اندازه‌گیریهای صورت‌گرفته را به استفاده‌کننده منتقل می‌کند. به‌طور کلی، پیش‌بینی درخور اتکای جریانهای نقدی و زیانهای اعتباری تسهیلات اعطایی در عمل کار ساده‌ای نبوده و چالش‌برانگیز است. یکی از راهکارهای اجرایی کردن چنین موضوعی، گروه‌بندی و تجمیع مناسب تسهیلات خرد براساس ویژگیهای مشترک اعتباری و اعمال برآوردها در سطح گروه‌های ایجادشده است. برای بررسی دقیقتر موضوع، نیاز است تا هر نوع تسهیلات به‌صورت جداگانه بررسی شود. از اینرو، در ادامه با اعمال تفکیکهای لازم به تشریح روشهای تعیین ارزشهای منصفانه تسهیلات اعطایی و نرخ تنزیل مناسب با توجه به ویژگی هر کدام از آنها، خواهیم پرداخت.

تسهیلات اعطایی از نوع عقود مبادله‌ای (نرخ سود ثابت)

برای به‌دست آوردن ارزش منصفانه تسهیلات اعطایی با نرخ ثابت همچون عقود مبادله‌ای (فروش اقساطی، جعاله، اجاره به شرط تملیک و ...)، از روش تنزیل جریانهای نقدی آینده استفاده می‌شود. بدین ترتیب، اولین پرسشی که مطرح می‌شود این است که برای تنزیل جریانهای نقدی آینده تسهیلات از چه نرخ باید استفاده کرد؟ پاسخ، نرخ سود

رایجی است که در تاریخ گزارشگری برای تسهیلات مشابه (سررسید مشابه و عمر باقی‌مانده یکسان - مشتری مشابه از نظر ریسک اعتباری)، وجود دارد. بنابراین بر فرض اگر یک وام فروش اقساطی ۵ ساله است و دو سال آن سپری شده است، باید برای تنزیل از نرخ استفاده کرد که یک وام فروش اقساطی سه‌ساله در تاریخ تهیه صورت مالی، با آن نرخ در بازار وجود دارد.

لازم به ذکر است که به‌طور معمول در کشور ما نرخ سود یکسانی وجود دارد و به‌طور عمده، نرخ براساس رتبه اعتباری مشتری تعیین و تنظیم نمی‌شود. با این حال به نظر می‌رسد با گذشت زمان و شروع به کار مؤسسه‌های رتبه‌بندی و پیشرفت در حوزه اعتبارسنجی، بانکهای ما نیز براساس وضعیت اعتباری مشتری نرخ سود تسهیلات را تعیین کنند. در این صورت، در تعیین نرخ تنزیل برای تسهیلات بااهمیت نیاز است تا افزون‌بر عمر باقی‌مانده و سررسید تسهیلات جدیدی که در تاریخ گزارشگری اعطا می‌شود، به مشابه بودن ریسک اعتباری مشتری دریافت‌کننده هم توجه شود؛ یعنی در مثال پیشین، تسهیلاتی را در نظر بگیریم که افزون‌بر موارد اشاره‌شده در مثال، دریافت‌کننده تسهیلات جدید نیز رتبه اعتباری مشابهی با دریافت‌کننده تسهیلاتی داشته باشد که می‌خواهیم ارزش منصفانه وامش را محاسبه کنیم. یکی از مسائل مهم و چالش‌برانگیز در حوزه ارزشهای منصفانه، افزون‌بر نرخ تنزیل، برآورد کردن جریانهای نقدی آینده‌ای است که انتظار داریم دریافت کنیم.

تسهیلات اعطایی عقود مشارکتی

اساس این‌گونه عقود، مشارکت بانک و مشتری در سودو زیان است. سهم هر کدام از طرفین از سود نهایی در روز اول در قرارداد تعیین خواهد شد؛ بنابراین، سود واقعی تسهیلات تا انتهای دوره قرارداد مشخص نخواهد شد (سود تضمین‌شده ندارند). در بانکداری اسلامی به‌معنای واقعی آن، نه اصل و نه سود این عقود تضمین نمی‌شوند و بانک در واقع در ضرر و زیان هم شریک خواهد بود.

با توجه به این موارد، نبود قطعیت موجود، اجازه برآورد درخور اتکای جریانهای نقدی آینده را نمی‌دهد. از طرفی،

شیوه افشا

باید به نحوی باشد

تا

ارزشهای منصفانه

و

ارزش دفتری

در کنار یکدیگر

افشا گردد تا

امکان مقایسه

این دو ارزش

برای

استفاده کنندگان

فراهم شود

می‌شوند. با توجه به این‌که اساس شناسایی کاهش ارزش و زیانهای اعتباری مورد انتظار براساس تنزیل جریانهای نقدی و در نظر گرفتن ارزش زمانی پول است، در نگاه اول به نظر می‌رسد در نظر گرفتن خالص ارزش دفتری (به کسر ذخایر) این تسهیلات به عنوان ارزش منصفانه آنها، رویه معقولی باشد؛ کما این‌که بانکهای هستند که از همان مبالغ به عنوان ارزش منصفانه استفاده کرده‌اند^۸. با این حال، نگارنده معتقد است منعکس کردن خالص ارزش دفتری تسهیلات دارای کاهش ارزش نمی‌تواند منعکس‌کننده ارزشهای منصفانه باشد؛ زیرا تنزیل جریانهای نقدی با مقاصد کاهش ارزش و زیان اعتباری مورد انتظار با تنزیل جریانهای نقدی، با هدف ارزش منصفانه متفاوت است.

اگر هدف، اندازه‌گیری زیان اعتباری وام باشد، از نرخ بهره مؤثر اولیه برای تنزیل جریانهای نقدی استفاده می‌شود؛ در حالی که اگر هدف تعیین ارزش منصفانه وام باشد، از نرخهای بهره جاری تسهیلات مشابه در تاریخ گزارشگری استفاده می‌شود. به نظر می‌رسد با توجه به وجود چنین تفاوت مهمی در اندازه‌گیری، استفاده از خالص ارزش دفتری تسهیلات (به کسر از وثایق) نمی‌تواند منعکس‌کننده ارزش منصفانه تسهیلات باشد. بنابراین برای تعیین ارزش منصفانه، باید جریانهای نقدی مورد انتظار را برآورد و با استفاده از نرخ سود جاری مورد استفاده در اعطای تسهیلات مشابه، تنزیل کنیم.

یکی از چالشهای اجرایی تعیین ارزش منصفانه تسهیلات دارای کاهش ارزش، برآورد جریانهای نقدی آینده است که انتظار داریم آنها را دریافت کنیم. از آنجا که این جریانهای نقدی با مبالغ حاصل از فروش وثایق این تسهیلات گره خورده است، کار

سود و زیان نهایی نیز مشخص نیست و نرخ سود حاصل برای هر کدام از تسهیلات می‌تواند متفاوت باشد. از اینرو در انتخاب نرخ تنزیل هم ابهامهایی وجود خواهد داشت. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد در این حالت ارزش منصفانه تسهیلات به شکل درخور اتکایی قابل اندازه‌گیری نیست و مجبوریم ارزش منصفانه این تسهیلات را معادل ارزش دفتری‌شان فرض کنیم.

اما با بررسی دقیق ساختار و قالب قراردادهای عقود مشارکتی همچون مضاربه و مشارکت مدنی که به وسیله بانک مرکزی به نظام بانکی کشور ابلاغ شده است، با بندهایی روبه‌رو می‌شویم که فاصله این عقود را از شکل بنیادین آن دور کرده است (نبود شراکت در سود و زیان قرارداد به معنای واقعی کلمه، تضمین اصل و ...). بنابراین، نبود قطعیت بالاهمیتی که در بخش اول توضیحات تشریح شد، در عقود مشارکتی فعلی کشور ما مشاهده نمی‌شود. با توجه به مفهوم رجحان محتوای اقتصادی عقود اسلامی بر شکل قانونی آنها و در نظر گرفتن ویژگیهای قراردادهای عقود مشارکتی موجود در کشور، به نظر می‌رسد که پیش‌بینی جریانهای نقدی آینده می‌تواند از قابلیت اتکای قابل قبولی برخوردار باشد (نسبت به حالت قبلی). بنابراین با استفاده از الگوی تنزیل جریانهای نقدی آینده و استفاده از نرخ تنزیل مناسب، ارزش منصفانه قابل اندازه‌گیری خواهد بود.^۹

کاهش ارزش وامها

براساس استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۳۹ (IAS 39)، تسهیلاتی که شواهدی عینی برای کاهش ارزش آنها وجود داشته باشد، وامهای دارای کاهش ارزش (Impairment Loans) تلقی

سپرده‌های سرمایه‌گذاری

این نوع از سپرده، بیشترین سهم را در تأمین منابع مالی بانکهای ایران دارد و مبنای آن براساس عقد وکالت است. در طول سال به صاحبان این سپرده‌ها سود علی‌الحساب اعطا شده و در پایان سال، سودوزیان واقعی مرتبط با این سپرده‌ها محاسبه خواهد شد و در صورتی که سود علی‌الحساب کمتر از سود واقعی باشد، تفاوت آن به سپرده‌گذاران پرداخت خواهد شد که البته این امر در سالهای اخیر کمتر اتفاق افتاده است و در صورتی که سودهای علی‌الحساب پرداختی بیش از سود واقعی باشد، سپرده‌گذار مبلغ مازاد را مسترد نخواهد کرد^{۱۲}. لازم به ذکر است که مطابق با قانون پولی و بانکی، اصل مبلغ در این نوع سپرده‌ها تضمین می‌شود.

نکته درخور توجه، تفاوت سپرده‌های سرمایه‌گذاری در ایران و دیگر کشورهای اسلامی است. برای مثال، در مالزی سپرده‌های سرمایه‌گذاری براساس عقد مضاربه است و هیچ‌گونه اصل و فرعی از سوی بانک تضمین نمی‌شود و سودوزیان واقعی محاسبه و در صورت وجود سود، به نسبت معین توافق شده پرداخت خواهد شد. همچنین اگر نتیجه زیان باشد، پرداختی به سپرده‌گذار صورت نمی‌گیرد.

در واقع، در سپرده‌های سرمایه‌گذاری بانکهای اسلامی، سپرده‌گذار به صورت محتوایی در ریسک سرمایه‌گذاری شریک می‌شود. بنابراین به دلیل نبود اطمینان در جریانهای نقدی آینده مرتبط با قرارداد مضاربه، ارزش منصفانه سپرده‌های سرمایه‌گذاری معادل مبلغ دفتری آنها در تاریخ گزارشگری افشا می‌شود. اما با توجه به ماهیت و محتوای سپرده‌های سرمایه‌گذاری درازمدت در ایران و با در نظر گرفتن برتری محتوای اقتصادی قرارداد منعقد بین سپرده‌گذار و بانک و نگاهی به سالهای اخیر که سود علی‌الحساب در نهایت بیشتر از واقعی بوده و از اینرو همان سود قطعی بوده است، به نظر می‌رسد که در این نوع سپرده‌ها جریانهای نقدی آینده به شکل درخور اتکاتری نسبت به عقود مضاربه بانکهای اسلامی، قابل برآورد هستند و اطمینان بیشتری در برآورد جریانهای نقدی برای این سپرده‌ها وجود دارد.

بدین ترتیب، باید ارزش منصفانه سپرده‌های سرمایه‌گذاری در ایران به وسیله روش تنزیل جریانهای نقدی آینده محاسبه

کمی سخت خواهد شد و نیاز به دقت حساب‌رسان دارد. به این ترتیب در مورد تسهیلاتی که انتظار داریم تنها از راه تصاحب وثیقه آنها را وصول کنیم، نیاز است تا قیمت آینده وثایق و هزینه‌های مرتبط با تحصیل و وصول پیش‌بینی شده و در مرحله بعدی، ارزش فعلی خالص وجوه محاسبه شود (یکی از مواردی که باید در نظر گرفته شود، این است که وثایق تملیک‌شدنی ممکن است به دلایل مختلف امکان فروش نداشته باشند).

تسهیلات اعطایی کوتاه‌مدت

مطابق با الزامهای استانداردهای بین‌المللی، زمانی که ارزش دفتری تقریباً با ارزش منصفانه برابر باشد، ارزش دفتری به عنوان ارزش منصفانه افشا می‌شود. با توجه به کوتاه بودن دوره بازپرداخت این تسهیلات، در عمل تفاوت ارزش دفتری و ارزش منصفانه ناچیز خواهد بود. از اینرو، ارزش منصفانه تسهیلات اعطایی زیر یکسال نیاز به محاسبه ندارد و همان ارزش دفتری در یادداشتهای همراه افشا خواهد شد.

تسهیلات اعطایی با نرخ سود متغیر و شناور

برخی تسهیلات، نرخ سود ثابتی ندارند و با توجه به نرخ بازار، نرخ تسهیلات هم تغییر می‌کند. از آنجا که برآورد ارزش منصفانه چنین تسهیلاتی غیرقابل اتکا خواهد بود، ارزش منصفانه این تسهیلات را معادل ارزش دفتری آنها در نظر خواهیم گرفت. در حال حاضر و در حد اطلاعات نگارنده، چنین تسهیلاتی در ترازنامه بانکهای ایرانی دیده نمی‌شود.

ارزش منصفانه سپرده‌های پرداختنی

طبق الزامهای پیش‌گفته، بانکها موظفند ارزش منصفانه سپرده‌های پرداختنی را در یادداشتهای همراه صورتهای مالی افشا کنند. از آنجا که به طور معمول بازار فعالی برای خرید و فروش سپرده‌ها وجود ندارد، قاعدتاً در سطح اول ارزشهای منصفانه نخواهند بود^{۱۳}. بنابراین، سپرده‌های دریافتی بانکها در سطح دوم و سوم ارزش منصفانه قرار دارند؛ هرچند به نظر می‌رسد که سپرده‌های بانکهای ایران بیشتر به سطح سوم نزدیک باشند. با این حال، در ادامه به تشریح هرکدام از سپرده‌های موجود در ترازنامه بانکها به ترتیب اهمیت می‌پردازیم.

در این مقاله

راهکارهای تعیین

ارزش

با در نظر گرفتن

قوانین و

مقررات داخلی و

محتوای داراییها و

بدهیهای مالی

تشریح شده است

سودی پرداخت نمی‌شود. سپرده‌هایی همچون سپرده قرض‌الحسنه جاری، سپرده دیداری بانک مرکزی و دیگر بانکها نزد بانک، در این دسته قرار دارند. ارزش منصفانه سپرده‌های دیداری، همان مبلغ پرداختنی در تاریخ گزارشگری است و به این ترتیب نیازی به استفاده از الگوی تنزیل جریانهای نقدی آینده و انتخاب نرخ تنزیل نبوده و ارزش منصفانه آنها مشکل‌ساز نخواهد بود.

سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز

در این نوع سپرده‌ها، مشتری هر زمان که اراده کند می‌تواند وجوه سپرده‌شده را برداشت کند. لازم به ذکر است که به این نوع حساب، سودی تعلق نمی‌گیرد؛ بلکه در بعضی موارد، به‌صورت سالانه جوایزی به‌صورت قرعه‌کشی به این دسته از سپرده‌ها اعطا خواهد شد. با توجه به ماهیت این نوع سپرده، ارزش منصفانه سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز با مبلغ پرداختنی در تاریخ گزارشگری برابر است. بنابراین در این دسته از سپرده‌ها نیز نیازی به شناسایی ارزشهای منصفانه نیست.

اوراق بدهی منتشرشده (صکوک و

اوراق مشارکت و گواهی سپرده و

... از سوی گروه

اوراق بدهی منتشرشده از سوی گروه بانکها (شامل شرکتهای فرعی)، همچون اوراق مشارکت و انواع صکوک و گواهی سپرده، به بهای تمام‌شده مستهلک‌شده اندازه‌گیری و در ترازنامه گزارش خواهد شد؛ ولی با توجه به الزامهای افشا، ارزش منصفانه این اوراق نیز باید اندازه‌گیری و در یادداشت‌های همراه افشا شود. اگر ویژگیهای بازاری که اوراق

شود. نرخ مناسب برای تنزیل جریانهای نقدی، نرخ سود جاری مورد استفاده برای دریافت سپرده‌های با سررسید مشابه (عمر باقی‌مانده) در زمان گزارشگری است. لازم به ذکر است که این سپرده‌های سرمایه‌گذاری به دو دسته کوتاه‌مدت (عادی و ویژه) و درازمدت تفکیک می‌شوند. بدیهی است که در سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت، فاصله ارزش دفتری و ارزش منصفانه چشمگیر نخواهد بود و می‌توان ادعا کرد که ارزش دفتری به‌تقریب معادل ارزش منصفانه است و برای سپرده‌های زیر یکسال، مبلغ پرداختنی (ارزش دفتری سپرده) در تاریخ گزارشگری به‌عنوان ارزش منصفانه گزارش خواهد شد.

یکی از دیگر گزینه‌های موجود برای تعیین ارزش منصفانه سپرده‌های سرمایه‌گذاری، کمک گرفتن از قیمتهای اوراق گواهی سپرده منتشرشده به‌وسیله بانکها در فرابورس است. هرچند، با بررسی وضعیت خرید و فروش این اوراق از سوی نگارنده، چنین به‌نظر می‌رسد که این اوراق به‌شکل محدودی خرید و فروش می‌شوند و از تنوع لازم برخوردار نیستند؛ یعنی نمی‌توان برای تمام سپرده‌های سرمایه‌گذاری در این بازار گواهی مشابه پیدا کرد. از طرفی در مورد سازوکار بازار یادشده، شبهه‌هایی مشابه با آنچه در قسمتهای پیشین مقاله توضیح داده شده است، وجود دارد؛ با این حال، استفاده از این اوراق در تعیین ارزش، مستلزم بررسی بیشتری است.

سپرده دیداری

در این نوع از سپرده‌ها، بانک متعهد می‌شود به محض تقاضای صاحب آن، وجه سپرده‌شده را مسترد کند و به این سپرده‌ها

جدید به عنوان نرخ تنزیل اوراق قدیمی تر استفاده کرد). لازم به ذکر است، مشابه این موضوع در مورد داراییهای مالی نیز وجود دارد.

سرمایه‌گذاری در اوراق بدهی به وسیله گروه (با قصد نگهداری آنها تا سررسید)

بانک و شرکتهای فرعی گروه که در اوراق بدهی سرمایه‌گذاری کرده و قصد دارند آنها را تا سررسید نگهداری کنند، باید این اوراق را به بهای تمام‌شده مستهلک‌شده اندازه‌گیری و ثبت کنند؛ ولی با توجه به الزامهای افشا، ارزش منصفانه این اوراق باید افشا شود. شیوه اندازه‌گیری ارزش منصفانه این داراییها، مشابه آنچه که در مورد اوراق بدهی منتشرشده تشریح گردید، انجام می‌شود. از این قیمتها در صورت دسترسی به قیمتهای بازار فعال، استفاده خواهیم کرد (با در نظر گرفتن شرایط بازارگردانی اوراق مطابق با بخش قبلی) و در صورتی که از روش تنزیل جریانهای نقدی آتی استفاده کنیم (که به‌طور عمده به این صورت خواهد بود)، نرخ تنزیلی برابر با سود اوراق مشابه از نظر سررسید و ریسک که در تاریخ گزارشگری منتشر شده‌اند، در نظر گرفته خواهد شد. همچنین در مورد اوراق بدهی شرکتهای خارجی که گاهی در صورتهای مالی تلفیقی بانکها دیده می‌شود، باید از نرخ اوراق مشابه در بازار خارجی استفاده کرد که به‌طور طبیعی، اجرا و رسیدگی را کمی سخت می‌کند.

افشای ارزش منصفانه سپرده‌های دریافتنی گروه

سپرده‌های دریافتنی از دیگر داراییهای مالی بانکها و شرکتهای گروه هستند که تنوع بسیاری بالایی دارند. در این بخش، سعی می‌کنیم روش تعیین ارزش منصفانه و فرضهای مورد استفاده در الگوهای ارزیابی را به‌صورت موردبه‌مورد، تشریح کنیم.

سپرده‌های دریافتنی مدت‌دار (شامل سپرده شرکتهای فرعی بانکها نزد بانکهای دیگر)

ارزش منصفانه این سپرده‌ها برابر است با تنزیل جریانهای نقدی مورد انتظار که با نرخ سپرده‌های مشابه و با عمر باقی‌مانده برابر (سررسید یکسان)، تنزیل می‌شوند. لازم

یادشده در آن مبادله و معامله می‌شوند، به شیوه‌ای باشد که بتوانیم آن را بازاری فعال تلقی کرده و قیمتهای قابل مشاهده در آن را ارزش منصفانه بنامیم، می‌توان از قیمتهای تابلوی بازار یادشده استفاده کرد. ناشر اوراق، بدون کمترین دردسری با انعکاس قیمتهای تابلو در یادداشتهای همراه، الزامهای افشا را رعایت کرده و ارزش منصفانه اوراق بدهی در سطح اول ارزش منصفانه افشا خواهد شد. اما به‌نظر می‌رسد در مورد عمده اوراق بدهی کشور، شرایط به‌نحوی است که با توجه به سازوکارها و فرایندهای موجود نمی‌توان قیمتهای تابلو را قیمتهای منصفانه تلقی کرد. بنابراین، وضعیت موجود به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف- اگر بازارگردانی اوراق مبتنی بر حراج بوده و از قبل درصد ثابتی برای آن تعیین نشده باشد، قیمت اوراق براساس عرضه و تقاضا تعیین می‌شود و می‌توان از قیمت تابلو به‌عنوان ارزش منصفانه استفاده کرد. لازم به ذکر است که تعداد این اوراق در بازار ایران کم است؛ و

ب- اگر قیمت بازارگردانی اوراق پیش از این مذاکره شده و درصد ثابت تعیین‌شده‌ای وجود داشته باشد، در عمل قیمت بازار برابر با قیمت بازارگردانی است و نمی‌توان گفت قیمت براساس عرضه و تقاضای بازار است. لازم به ذکر است که شرایط بازارگردانی عمده اوراق بدهی در کشور، در حال حاضر به این شکل است. به‌نظر می‌رسد که در این حالت، قیمت تابلو را نمی‌توان به‌عنوان ارزش منصفانه اوراق بدهی تلقی کرد.

به‌نظر می‌رسد در حالت دوم برای تعیین ارزش منصفانه، باید از الگوهای ارزش‌گذاری استفاده کنیم. تعیین ارزش منصفانه این دسته از اوراق بدهی با روش تنزیل جریانهای نقدی آن قابل انجام است. برای تعیین نرخ تنزیل نیز می‌توان از نرخ سود رایج استقراض در تاریخ ترازنامه استفاده کرد. پیشنهاد می‌شود در تاریخ گزارشگری از نرخ برای تنزیل جریانهای نقدی استفاده کرد که واحدهای تجاری دیگر (با ریسک به‌طور تقریبی مشابه) در تاریخ جاری، اوراق بدهی مشابه را با آن نرخ منتشر کرده‌اند (به‌طور طبیعی اگر در همان سال گروه بانک دوباره اوراق جدید اما مشابه (سررسید) با اوراق قبلی منتشر کرده باشد، می‌توان از نرخ سود اوراق بدهی

این نوع موارد افشا

موضوعی

کاملاً جدید

در

گزارشگری مالی

بانکهای کشور

است و

نیاز به

بحث و

بررسی بیشتری

دارد

بانکهاست (درصدی مشخص از سپرده‌ها) و به این سپرده جایزه اعطا می‌شود. با توجه به ویژگیهای این سپرده، ارزش منصفانه معادل ارزش دفتری در تاریخ گزارشگری در نظر گرفته خواهد شد.

سپرده‌های دریافتنی با سود شناور

ارزش منصفانه این سپرده‌ها برابر با ارزش دفتری در نظر گرفته می‌شود؛ هرچند که در حد اطلاع نگارنده، چنین سپرده‌هایی در حال حاضر در نظام بانکی کشور رایج نیست.

سپرده‌های سرمایه‌گذاری اسلامی

ممکن است بانکها یا شرکتهای فرعی گروه در سپرده‌های سرمایه‌گذاری درازمدت بانکهای اسلامی خارج از کشور، سرمایه‌گذاری کنند. با توجه به این‌که سودوزیان نهایی این سرمایه‌گذاری مشخص نبوده و سپرده‌گذار به شکل محتوایی در سودوزیان نیز شریک و هیچ‌گونه اصل و فرعی تضمین نمی‌شود، تعیین ارزش منصفانه این‌گونه سپرده‌ها امکان‌پذیر نبوده و ارزش منصفانه این سپرده‌ها معادل ارزش دفتری سپرده در تاریخ گزارشگری در نظر گرفته خواهد شد.

افشای ارزش منصفانه سایر

بدهی‌های مالی

تسهیلات دریافتنی از بانکها

ارزش منصفانه وامهای پرداختنی بالاتر از یک سال، با استفاده از روش تنزیل جریانهای نقدی آینده اندازه‌گیری و افشا خواهد شد. برای تعیین نرخ تنزیل نیز از سود تسهیلات مشابه در تاریخ گزارشگری استفاده می‌شود. **بدهیهای درازمدت (به‌جز اوراق بدهی و تسهیلات)**

ارزش منصفانه این نوع بدهیها با استفاده از روش تنزیل جریانهای نقدی محاسبه

به ذکر است برای سپرده‌های با سود ثابت کمتر از یکسال، ارزش منصفانه معادل ارزش دفتری در نظر گرفته خواهد شد (به توضیحات بخش سپرده‌های سرمایه‌گذاری مراجعه شود).

سپرده بانکها نزد یکدیگر (بازار بین بانکی)

مدت زمان متعارف سپرده‌های یادشده، مطابق با «دستورعمل اجرایی عملیات بازار بین بانکی ریالی» می‌تواند یک‌شبه^۳، سه ماهه، شش‌ماهه، نه‌ماهه و یک‌ساله باشد. از آنجا که این سپرده‌ها به‌طور معمول زیر یکسال هستند، ارزش دفتری آنها تقریبی معقول از ارزش منصفانه است. از اینرو، ارزش منصفانه این سپرده‌ها معادل ارزش دفتری آن در نظر گرفته می‌شود. با این حال، برای سپرده‌هایی که کوتاه‌مدت نیستند، ارزش منصفانه از طریق تنزیل جریانهای نقدی و با نرخ بازار بین بانکی سپرده‌های مشابه با عمر باقی‌مانده مشابه (سررسید یکسان)، تنزیل خواهند شد.

سپرده‌های مدت‌دار ارزی نزد بانکهای خارجی

آنچه در تعیین ارزش این سپرده‌ها دارای اهمیت می‌باشد، انتخاب نرخ تنزیل مناسبی است که باید با نرخ جاری بهره سپرده‌های مشابه برابر باشد. با توجه به ارزی بودن سپرده، باید به نرخ تنزیل انتخاب‌شده برای این سپرده‌ها توجه ویژه داشت.

سپرده‌های دریافتنی دیداری و کوتاه‌مدت

در تمام سپرده‌های دریافتنی دیداری و کوتاه‌مدت، ارزش منصفانه برابر با ارزش دفتری در نظر گرفته می‌شود.

سپرده قانونی

مبلغ این سپرده بسته به میزان تجهیز منابع

پانوشتها:

1- IFRS

2- Fair Value

۳- این الزامها در استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۳۹ و استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۹ (IFRS 9) بیان شده است.

4- Amortized Cost

۵- مگر مواردی که طبق استاندارد استثنا شده‌اند.

۶- مطابق با مصوبه اخیر مجمع سازمان حسابرسی، الزامهای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در حال حاضر در سطح صورتهای مالی تلفیقی خواهد بود.

۷- به‌نظر می‌رسد دلیل قرار گرفتن این موارد در سطح دوم، وجود بازار بین بانکی است.

۸- با این حال ممکن است در برخی شرایط خاص، سطح دوم هم دست‌یافتنی باشد.

۹- لازم به ذکر است به‌طور معمول، تسهیلات مضاربه و مشارکت مدنی کوتاه‌مدت است؛ لذا ارزش منصفانه و ارزش دفتری تفاوتشان ناچیز است. اما در عقود مشارکتی بالای یکسال، کماکان روش تنزیل جریانهای نقدی آتی معقول به‌نظر می‌رسد (هرچند اعلام‌نظر قطعی در این مورد نیاز به بررسی بیشتر دارد).

10- Bank Islam – 2015 – Annual Report

۱۱- برخی از بانکها به صدور اوراق گواهی سپرده اقدام کرده‌اند که در فرابورس معامله می‌شوند و در بخشهای بعدی مقاله نیز به آنها اشاره شده است.

۱۲- در این حالت، سود علی‌الحساب پرداخت‌شده به سپرده‌گذار قطعی تلقی خواهد شد و این مازاد قابل استرداد نیست.

13- Overnight

۱۴- منظور آن بدهیهایی است که به ارزش منصفانه در صورت مالی اساسی شناسایی نشده‌اند.

منابع:

• International Accounting Standards Board (IASB), **IFRS 9, Financial Instruments**, 2014

• International Accounting Standards Board (IASB), **IFRS7, Financial Instruments: Disclosures**, 2005

• International Accounting Standards Board, (IASB), **IFRS13, Fair Value Measurement**, 2015

در فرایند نگارش این مقاله از صورتهای مالی بانکهای خارجی استفاده شده است.

می‌شود. پیشنهاد می‌شود برای نرخ تنزیل از نرخ سود سپرده‌های پرداختنی درازمدت خود بانک با سررسید مشابه استفاده شود. البته، سپرده‌های سرمایه‌گذاری ایران سقف ۵ ساله دارند و برای بدهیهای طولانی‌تر باید از نرخ اوراق بدهیهای درازمدت (بیش از ۵ سال) استفاده کرد.

بدهیهای مالی کوتاه‌مدت

در این دسته، ارزش دفتری بدهی به‌تقریب با ارزش منصفانه آن برابر است. بنابراین، ارزش دفتری را به‌عنوان ارزش منصفانه در یادداشت‌های همراه افشا می‌کنیم.

بدهیهای مالی شرکتیهای فرعی

بدهی است که صورتهای مالی گروه بانک، شامل بدهیهای مالی متنوع شرکتیهای فرعی نیز خواهد بود^{۱۴}. نیاز است تا با توجه به شرایط و ویژگیهای هر کدام از بدهیهای یادشده، ارزشهای منصفانه اندازه‌گیری و در یادداشت‌های همراه افشا شود.

سخن آخر

آنچه از نظر تان گذشت، تشریح روش پیاده‌سازی الزامهای افشای ارزشهای منصفانه تسهیلات اعطایی و سپرده‌های پرداختنی (و دیگر دارایی و بدهیهای مالی مربوط) و چالشهای مربوط به این حوزه بود. به‌نظر می‌رسد انگیزه‌های زیادی برای دستکاری محاسبه‌های ارزشهای منصفانه این اقلام می‌تواند وجود داشته باشد (اعم از برآوردهای سوگیرانه جریانهای نقدی و انتخاب نرخ تنزیل نامناسب). نظر به اهمیت تأثیر این اطلاعات بر تصمیم‌گیریهای استفاده‌کنندگان، لازم است حسابرسان بانکها در حسابرسی صورتهای مالی به این نوع موارد افشا توجه ویژه‌ای داشته باشند. امید است که با ارائه اطلاعات درخور اتکا در این زمینه، شاهد محقق شدن پیامدهای اقتصادی مثبت گزارشگری مالی در بانکهای کشورمان باشیم. با توجه به این که این نوع موارد افشا موضوعی کاملاً جدید در گزارشگری مالی بانکهای کشورمان خواهد بود، نیاز به بحث و بررسی بیشتری دارد. آنچه در این مقاله ارائه شد، حاصل بررسی موضوع به‌وسیله نگارنده بوده و بدیهی است در برخی موارد نیاز به تکمیل و تعدیل دارد.

